

نویسنده : گلین فورد (Glen Ford).

منبع و تاریخ نشر : انفارمیشن کلیرنگ هوز (2013-12-2).

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

هرزمانیکه ایالات متحده امریکا یک جایی را با زور اشغال نموده باشد آن محل را دوطابانه ترک نمگوید ؟

اوبا ما اعلامیه ای افغانستان را مضحک خواند

Obama Ludicrous Afghanistan Declaration

خنده آور و مضحک اینست که نظریه پرداز ویا بازیگر اصلی خروج نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا از افغانستان ریس جمهور حامد «کرزی» کسیکه بعد از تجاوز ایالات متحده امریکا درسال (2001) به حیث یک دست نشا نده به اریکه قدرت گماشته شد، نمی باشد. دلقک های بازیگردین جدول کلمات متقاطع همان امریکا یها هستند که با کلمات فریبنده و تظاهرآمیز بارک اوباما ریس جمهور ایالات متحده امریکا باور نمودند آنطوریکه او گفته بود: جنگ امریکا در افغانستان در آخرین روز از سال آینده به پایان خواهد رسید .

جای هیچ تردید نیست وآن اینکه اوباما درین مورد بیش ازیک دروغ محض چیزی دیگری نه گفته است ،چونکه او به حیث ریس جمهور ایالات متحده امریکا و متحد اش «ناتو» نه تنها که به جنگ در افغانستان پایا ن نمیدهد بلکه با طرح برنامہ ای بویژه میخواهد که به تعداد از (10000 تا 16000) سربازان خود را تا اخیر سال (2024) در افغانستان باقی و مستقر سازد و همچنان به ایجاد (9) پایگاه نظامی درین کشور اشغال شده بپردازد و تا ده سال دیگر خواستها واهدافش را برآورده سازد .

ریس جمهور آقای «اوبا ما» بی شرمانه چنین ادعا می نماید که این نیروهای باقی مانده واز آنجمله هزاران جنگجویان ماهر قتل وقتال مسمی به جزوتام عملیات های خاص ایالات متحده امریکا به جنگ و زدو خورد مبادرت نخواهند کرد، این کذب و دروغ آقای اوباما شبیه دروغ و کذب «جان کیندی» ریس جمهور سابق امریکا میباشد که اودرسال (1936) نه تنها که سربازان امریکایی را از ویتنام فرانخواند بلکه به تعداد (16000) سربازان امریکایی را در ویتنام مستقر و باقی گذاشت . در اینجا باید اذعان نمود وآن اینکه همان مشاوران و چهره های عریان و فریبکار اکنون چنین می پندارند : که اوباما خود در تلاش آن بود که نیروهای نظامی خود را از عراق فراخواند

تا آنکه عراقی ها خود خروج نیروهای امریکای را مطالبه نمودند. اکنون «اوباما» با ادعای بیمورد و بیجای خویش بخود حق میدهد تا مجدداً به تعریف مفهوم جنگ بپردازد، چنانکه او دو سال قبل اعلام نمود مدت (7) ماه بمبارانی که نیروهای هوایی ما در لیبیا انجام دادند در واقعیت امر جنگ نبود چونکه هیچ امریکای طی آن بمب گذاری کشته نشد، اما اوباما در افغانستان از معنی و مفهوم عصای جادویی و سحر آمیز بجلو اش چشم پوشی می نماید. و جنگ دوازده ساله را می خواهد به سهل و ساده گی بدون نامگذاری جنگ در افغانستان تغییر نام دهد و به این ترتیب به دوره گری از آتش دوزخ مبادرت ورزد.

« در اینجا چانس صفر احتمالاً میتواند گزینه ای صفر باشد »

ببدون شک اگر در اینجا شیطان‌ی وجود می داشت اوبا خنده های خاموشانه اش بر «سوزان رایس» مشاور امنیتی آقای اوباما که بشکل روان بی حوصلگی و آب را نادیده موزه کشیده از جنگ حرف میزند می خندید او یعنی «سوزان رایس» این وظیفه را بدوش داشت تا به «حامد کرزی» به اصطلاح گزینه ای صفر را گوش زد کند در صورتیکه «کرزی» فوراً این سند توافقنا مه را به امضا نرساند و برای ده سال دیگر ببدون چون و چرا کشورش را به اختیار ایالات متحده امریکا نگذارد. و اشنگتن موضوع را چنین مفهوم مینماید که فقط با سربازان قاتل و سلاح های در دست داشته اش افغانستان را ترک نماید اما از آنجاییکه ایالات متحده جای را که با زور و فشار اشغال نموده آنجا را دواطلبانه ترک نمیگوید این حرف ها بیش از یک فریب و خدعه چیزی دیگری نمیتواند باشد و یا به عباره دیگر با این بی ربط گویها می خواهد جانب مقابل را گول زند و برایش میدان خالی نماید و اینجا چانس صفر میتواند گزینش صفر باشد.

اما من در اینجا میخواهم حوادث سال (1963) ویتنام را بخاطر بیاورم و آن اینطور: وقتیکه رییس جمهور ویتنام آقای نگو دیهن دیم (Vgo Dinh Diem) و برادرش در اثر یک کودتا تحت نظر و حمایت ایالات متحده امریکا از اریکه قدرت برکنار و بعداً اعدام شد، آن رویداد را در اینجا میتوان چنین خاطر نشان ساخت که سفر «سوزان رایس» به افغانستان و دیدار او با حامد کرزی به جز از یک نوع تهدید و شان نناز به مرگ چیزی دیگر نمیتواند باشد.

باید خاطر نشان ساخت که ایالات متحده امریکا بدون آنکه به جنگ امپریالیستی اش نقطه پایان گذارد، آقای بارک اوباما به گسترش بازی تیا تردرگیری ها مسلحانه دامن میزند، او میخواهد یا میخواست که نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا در عراق باقی بمانند ولی عراقی ها در مذاکراتی که با جورج بوش نموده بودند اصرار داشتند که نیروهای اشغالگر ایالات متحده باید مطابق جدول زمانی از عراق بیرون شوند اما

امروز عراق مبنی بر اینکه امریکا گروه‌های القاعده و جهاد یست های تحت حمایت اش را در عراق مسلح ساخت قیمت گذاری می پردازد، اکنون این گروه‌های القاعده و عناصر جهادی مسلح عراقی در صدد سرنگونی همسایه اش ثوریه میباشند یعنی اینها همانند امریکای ها اند که علیه عراق برای مدت هشت سال است که می جنگند و همین حالا در هر دو طرف مرز علیه شیعیان به جنگ و مخالفت مبادرت می ورزند .

در صورتیکه در این حوزه هرگونه امیدی برای صلح نهایی وجود داشته باشد پس ایالات متحده امریکا از همین اکنون به درک و فهم این نیاز باید باغازد و دیگر تلاش نوزد که با چهره خشک و دگم برای مدت های مزید حوادث و واقعات منطقه را در تحت کنترل اش داشته باشد و جهاد یست ها را بعنوان عناصر عملیاتی به نفع خود در شرق میانه و آسیای جنوبی استعمال نماید و یا شاید اینکه چرا امریکایی ها تلاش بخرچ دادند تا عوض هجوم با ایران معامله نمایند و یا اینکه ممکن است حامد کرزی چنین بیاندیشد که باوزیدن باد در حال تغییر ممکن از طریق همسایه اش در زودی جاروب گردد و او به همین دلیل نمیخواهد کنار رود آنچنانیکه به صفت دست نشانده آمده بود .

-----باجترام